

مجددین

وقتی به یک نظر و فکر صحیح و
منطقی برخورد کردیم آن فکر را تاءئید
کرده عملاً " صاحب آن را تشویق نموده
دیگران را به اندیشیدن و فکر کردن
و ادا سازیم .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

معلم و پرورش جرات

و عبارت دیگر شخص کمرو قدرت و توان اظهار نظر را ندارد او منتظر است دیگران این حرکت را شروع کنند تا او در پیرو حرکت آنان بحرکت دربیاید و عبارت فشرده شخص کمرو همیشه می خواهد پیرو باشد .

در محیط های آموزشی گاه بشاگردانی بر خورد کرده ایم که جرات بازگو کردن اسم و فامیل خود را در جمع دانش آموزان نداشته اند. عده ای از شاگردان همیشه آرزو می کرده اند که در ساعت انشاء خوانی نوشته آنان را شاگردان دیگر قرائت نمایند .

در مواردی کمرویی باعث میشده که شاگرد زرنگ و فعالی نتواند در جلسه امتحان دانشگاهی از معلومات خود استفاده کرده بطور کنیی و یاشگاهی جواب های صحیح را ارائه دهد .

بدون تردید نحوه تعلیم و تربیت ، محیط خانوادگی و محیط تحصیلی در پیدایش و یا توسعه روحیه کمرویی موثر بوده است . برنامه های تربیتی برخی از خانواده ها طوری تنظیم یافته که اساساً جرات و ابتکار را از بین برده فرزندان آن خانواده ها ترسو و کم رو پرورش می یابند .

خانواده های فقیر و مستمند نوعاً " بر اثر گرفتاری و احساس کمبود دچار تزلزل شخصیت شده فاقد جرات و اعتماد می باشند .

همچنین کشورهایی که سالیان سال در فقر فرهنگی بسر برده و جزء کشورهای مصرف کننده بوده اند تبلیغات مسموم کننده کشورهای تولید کننده آنچنان زهراگین بوده که مردم این کشورها خود اعتقاد راستین دارند که باید دیگران بر آنان حاکم باشند و دیگران باید بر آنان حکومت کنند و دیگران باید ابتکار داشته باشند و این بزرگترین نوع استعمار است که ملتی اینچنین خود باخته بخود و افکار خویش بادید تحقیر و خواری نظاره کند .

یکی از آفت هائی که در زندگی فردی و اجتماعی و حتی خانوادگی همه ما وجود دارد مسأله کمرویی است . بسیاری از افراد جامعه ما اگر گرفتار این نارسائی نباشند بدون تردید عده ای از آنها دچار کمرویی میباشند . انسانهای کمرو خود بهتر میدانند که در اثر یک نیروی درونی از گفتن و اظهار کردن بسیاری از گفته ها خود داری می ورزند. مثل اینکه یک عامل درونی انسان را از گفتن و اظهار داشتن باز میدارد . در مواردی همه بخاطر داریم که جمله ای را خواستیم بیان کنیم ولی حجب و حیای کاذب ما را از اظهار کردن آن باز داشته است . ولی خود مشاهده کرده ایم که دیگران با جرات و صلابت آنچه را که خود ما می خواستیم اظهار کنیم ولی در پرتو کمرویی از ابراز آن خود داری کرده ایم بیان کرده و با استدلال و منطق همان موضوع را پرورده کرده اند . در چنین مواردی به ضعف و ناتوانی خود نفرین کرده خویشتن را شامت و ملامت کرده ایم . از این تجربه تلخ بخود تلقین کرده خود را آمادگی سازیم که در موارد دیگر دچار کمرویی نشده آنچه را که عقل و فکر سلیم درک کرده آنرا بازگو کنیم ولی منافع سفته در موقع اظهار کردن یک نیروی درونی دو باره ما را از اظهار داشتن باز داشته بما نهیب می زند که اگر این نظریه را ابراز کنی همه بفکر و نظر تو ایراد گرفته آبرو و شخصیت تو بر باد خواهد رفت . با این تجزیه و تحلیل بدست می آید که شخص کمرو همانند سایر انسان ها دارای فکر و منطق صحیح و درست می باشد . و تنها یک حالت انفعالی او را از ابراز و اظهار آن باز میدارد . در حقیقت شخص کمرو دچار تزلزل شخصیت بوده از اعتماد و ثبات روحی سر خوردار نمی باشد و همین تزلزل روحی تزلزلی در افکار و انظار او بوجود آورده آنها را واهی و بی ارزش جلوه میدهد .

فرزندان و شاگردان طوری است که اگر زمینه جرات و ابتکار در آنان وجود داشته باشد همه این زمینه ها خشکانیده شده بجای آن ترس و کمروئی جایگزین خواهد شد .

کنه حساس و ظریفی که وجود دارد اینست که بیشتر معلمان مدارس ما در تدریس خود از این موضوع غفلت کرده بیشتر بخود می پردازند یعنی بایمان و اظهار نظر کردن های خود عملاً از ابتکار و جرات شاگردان جلوگیری بعمل می آورند و حال آنکه در تربیت نوین بیشترین فعالیت ها را شاگردانجام داده معلم نقش راهنما را عهده دار است و معلم در موارد ضروری به فعالیت می پردازد .

برای اینکه جامعه ما دارای فرهنگی قوی باشد باید در محیط های خانوادگی و همچنین محیط های آموزشی بتدریج بشاگردان دل و جرات آموزشی داده شود باید باشاگردان طوری رفتار کرد که آنها بتوانند همانطور که در مواردی باید از سخن گفتن خود داری و رزند در مواردی هم باید مهر سکوت را شکسته بسخن گفتن بپردازند و این امکان پذیر نیست مگر آن موقعی که شاگردان را با جرات و صلابت پرورش داده باشیم .

و باز باید باین واقعیت اعتراف کرد که حیا بردنوع

در تعلیم و تربیت گذشته ناخود آگاه سعی میشد که کودک بجای پیدا کردن جرات و صلابت دچار کمروئی گردد زیرا اعتقاد بر این بود که هر قدر کودک سخن نگفته آرام بنشیند کودک مؤدب و آرامی خواهد بود .

امروزه تعلیم و تربیت این واقعیت را درک کرده همانطور که موجود زنده تحرک و پویائی باید داشته باشد کودک سالم هم کودکی است که جست و خیز و تحرک فراوان تری داشته باشد همینطور دریافته که هر کودکی که بیشتر و کاملتر از دیگران بسؤال کردن بپردازد از نظر فکری و مغزی بر دیگر کودکان برتری دارد زیرا همانطور که تحرک و جنب و جوش بدنی حاکی از سلامت تن است فعالیت های مغزی و فکری نیز مرهون سؤال و پرسش کردن فراوان تری است .

یکی از رسالت های پدران و مادران اینست که عملاً روح جرات و ابتکار را در فرزندان خود بوجود آورند به آنها فرصت اظهار نظر کردن داده در برخی از موارد از نظرات آنان تقدیر و تشکر بعمل آورند تا کودکان احساس اعتماد و ثبات نموده متکی بخود بسار



است یکی حیا صادق و دیگری حیا کاذب .

حیا صادق آنست که انسان از انجام و گفتن

آیند . باصراحت باید اقرار کنیم کنه بر خورد پدران و مادران و برخی از مربیان و معلمان بسا

چیزهایی که عقل آنها را قبیح و زشت دانسته خودداری نماید، متأسفانه تعلیم و تربیت غلط در مسواری حیا کاذب را جایگزین حیا صادق نموده و عملاً انسان از سؤال کردن در آنچه که در زندگی عقلانی و فکری او ضرورت دارد خود داری نموده این چنین می پندارد که این سکوت ها و خود داری ها جزء حیا ممدوح می باشد. پیامبر بزرگوار (ص) فرمود **الْحَيَاءُ حَيَاءُ اِن حَيَاءٌ عَقْلٌ وَ حَيَاءٌ حُمُقٌ فَحَيَاءٌ الْعَقْلُ هُوَ الْعِلْمُ وَ حَيَاءٌ الْحَقُّ هُوَ الْجَهْلُ** یعنی حیا بر دو نوع است حیا عقلی و منطقی حیائسی است که انسان را از گفتن و ارتکاب آنچه که برخلاف و نارواست بازدارد و حیا احمقانه حیائی است که انسان را از تکامل و پیشرفت باز دارد.

در خلال بحث‌های جرات و صلابت به این نکته نیز وقوف یافتیم که حیای مستحسن و ممدوح نیرو و قدرتی درونی است که انسان را از انجام عمل خلاف باز میدارد و بعبارت دیگر انسان خود را در برابر عظمت و شکه پروردگار متعال دریافته از انجام هرگونه عمل خلافی خویشتن را باز میدارد و این حیا معایر با حیائی است که انسان در برابر نادانی ها و جهالت ها از سؤال کردن ها خود را باز دارد.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود **مَنْ رَقَّ وَجْهَهُ رَقَّ عِلْمُهُ** یعنی هر که از سؤال کردن در باره آنچه نمی داند دچار رنگ پریدگی و حجب و حیا گردد یقیناً " از نظر آگاهی و دانش نیز دچار رنگ پریدگی خواهد شد.

پسیدران و مادران باید تلاش کنند روحیه جرات و صلابت را در فرزندان خود پرورده ساخته به آنان آموزش دهند که انسان چیزی را که نمیداند باید سؤال کند و از این پرسش کردن ننگ و رسوائی نباید بخود راه دهد.

و باز این نکته را به آنها بیاموزند که حیا و شرم از پروردگار متعال ایجاب می کند که از انجام هر

گونه خلافی خود داری کرده خویشتن را باز داریم. زیرا امام جعفر صادق علیه السلام از پیامبر بزرگوار نقل نموده کفرمودند: **قال رسول الله (ص) الاِثْلَامُ عَرِيَانٌ فَلِبَاسَةِ الْحَيَاءِ وَ زِينَةُ الْوَقَارِ وَ مَرُوتَةُ الْعَمَلِ الصَّالِحِ وَ عِمَادَةُ الْوَرَعِ** اسلام جامه‌اش شرم و حیا است و زینتش ابهت و وقار است جوانمردی اش کردار صالح است و پایه و ستونش برهیزکاری است.

در پایان در مرحله درمانی رعایت نکات زیر را بهمه تاکید می نمائیم:

۱- به کودکان و شاگردان فرصت ابراز نظر و اظهار فکر بدهیم.

۲- هرگز فکر فرزندان خود را تحقیر و توهین ننمائیم.

۳- فکر و اندیشه‌های نارسا را راهنمایی کرده بصاحبان آن ارجح و بهاء دهیم.

۴- هرگز از سؤال کردن کودکان دچار ملال نشده‌با صبر و حوصله بیاسخ گوئی بپردازیم.

۵- با گوش کردن به نظرات و افکار شاگردان با آنها اعتماد و توان دهیم.

۶- بشاگردان بیاموزیم که انسان وظیفه دارد چیزی را که نمیداند آن را از دیگران پرسش کند.

۷- وقتی به یک نظر و فکر صحیح و منطقی برخورد کردیم آن فکر را تأیید کرده عملاً " صاحب آن را تشویق نموده دیگران را به اندیشیدن و فکر کردن وادار سازیم.

۸- هرگز بوسیله اخم و تخم کردن از سوال کردن دیگران ممانعت بعمل نیاوریم.

۹- موقعیت های حیای کاذب و حیای صادق را بفرزندان خود تبیین نمائیم.

۱۰- بجای زیاد نصیحت کردن بد یگران فرصت سخن گفتن و ابراز نظر بدهیم.

